

مدرن‌نیته مخالف نیست اما وقتی سفره زیر زمینی هزار ساله را به بهانه توسعه صنعت و کار آفرینی نابود کنیم قرن‌ها طول می‌کشد تا این سفره آب زیر زمینی تشکیل شود و این نشان می‌دهد که آن صنعت آسیبی جبران‌ناپذیر را به طبیعت آن منطقه وارد کرده است.

در «ایساتیس» شما در فضایی شاعرانه تلاش کرده‌اید انتقادهای را به شکلی کاملاً غیر مستقیم بیان کنید. چرا این ساختار را انتخاب کردید؟

در مستند «بی‌گدار» این هشدارها را به شکلی کاملاً مستقیم مطرح کردم، در مستند «اوسیا» درباره نابودی قنات زارچ که طولانی‌ترین قنات ایران است و فاضلاب به داخل آن ریخته می‌شود هم به شکلی مستقیم پرداختم و به عنوان یک مستندساز هشدار دادم اما در «ایساتیس» ما تصمیم گرفتیم شهری را انتخاب کنیم که موضوعات مختلفی را به بهانه آن به نمایش بگذاریم، بخشی از این موضوعات به این انتقادهای مربوط می‌شود و ما سعی کردیم تصاویر و ساختاری شاعرانه با یک فیلمبرداری درخشان از شهری داشته باشیم که به قدمت تاریخ در دل کویر ایران شکل گرفته و با هزار مشقت این زیست سال‌ها حفظ شده است. سعی ما بر این بود که این فیلم آنقدر باید تصاویر، صدا، موسیقی و ساخت تاثیرگذاری داشته باشد که وقتی چند پلان هشدارآمیز در آن قرار دادیم مخاطب احساس کند که این زیبایی در حال نابودی است. سعی من بر این بود که مخاطب را برای جلوگیری از این تخریب برانگیخته کنم.

شکلی از زندگی که در «ایساتیس» شاهد هستیم شاید برای مخاطبی که در شهرهایی مثل تهران زندگی کرده باور پذیر نباشد و این پرسش برای او به وجود بیاید که آیا واقعاً زندگی در شهری مثل یزد همچنان به همین شکل است؟

بخشی از یزد توسعه مدرنیته پیدا کرده و در چند پلان سکناس پایانی که ما در شب فیلمبرداری کردیم یزد مدرن را می‌بینیم و شاهد هستیم که در کنار شهر سنتی یک شهر مدرن شکل گرفته است. شاید زندگی مردم در یزد عملاً به این شکلی که در «ایساتیس» می‌بینیم نباشد چرا که این فیلم بخشی را که روایت می‌کند بازگشت‌ها و رجعت‌های تاریخی دارد و ما مجبور بودیم برای اینکه مخاطب فضای ملموسی را تجربه کند این زیست را نشان دهیم و شاید به همین دلیل باشد که مخاطب‌های دیگر فیلم که از استانهای مختلف ایران هستند دیگر ندانند که کارکرد این بادگیر چیست و به چه صورت مورد استفاده قرار می‌گرفته و خبری از این فضای صمیمی نداشته باشد و من می‌خواستم که تماشاگر تا جایی که امکان پذیر هست درک کند که آدم‌ها در این فضا چگونه زیست می‌کردند. ما تلاش کردیم با روایت‌های مختلف و فضا سازی‌ها صرفاً به تریشن وابسته نباشیم و خود مخاطب با چشمانش این تصاویر را ببیند، باروحش لمس کند و ببیند که زندگی کویری چگونه بوده است. این تصاویر مخاطب را به شناخت زیستی درباره زندگی در این منطقه می‌رساند و که شاید بخشی از آن هم امروز از بین رفته باشد و بخشی از آن همچنان وجود داشته باشد.

و هر نریتور را یک روز جداگانه ضبط کنیم و این کار ما را برای رسیدن به آن هماهنگی و هارمونی صدا خیلی سخت کرده بود.

از جشنواره‌هایی که ایساتیس تاکنون شرکت کرده و جوایزی که کسب کرده بگویید.

ایساتیس تا کنون توانسته برنده جوایزی مثل جایزه ویژه دبیر جشنواره برای (تولید فیلم فاخر) از چهاردهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران (سینماحقیقت) شود. همینطور نامزد سیمیرغ بهترین فیلم مستند از جشنواره ملی فیلم فجر و نامزد بهترین فیلم نتپک (شبکه ارتقای سینمای آسیا) از جشنواره جهانی فیلم فجر بوده است. برنده جوایزی دیگر مثل جایزه بهترین فیلمبرداری، بهترین موسیقی از جشن مستند سینمای ایران همینطور برنده تندیس سیمین بهترین مستند از جشنواره بین‌المللی فیلم رشد و برنده جایزه بهترین فیلم بخش بین‌الملل هشتمین جشنواره بین‌المللی جشنواره شهر شده است. در جشنواره‌های خارجی مثل فیلم سبز مونتنگرو جایزه دریافت کردیم و فیلم برگزیده اختتامیه جشنواره مستند مسکو - روسیه، روتر تو ایتالیا (فیلمهای میراث جهانی)، اوشن سیتی آمریکا، نخل طلایی فرانسه و چندین جشنواره بین‌المللی دیگر بوده است.

به نظر شما می‌توان گفت که «ایساتیس» نوعی زندگی مسالمت آمیز با طبیعت را به ثبت رسانده که در آینده‌های نه چندان دور دیگر اثری از آن نخواهد ماند؟

بله آنچه که در «ایساتیس» می‌بینیم یک زندگی مسالمت آمیز با طبیعت است؛ در مکانی بی آب و علف و کویری مردم مجبور بودند برای اینکه بتوانند از هوای خنک و باد استفاده کنند سیستمی پر هزینه طراحی کرده‌اند که بادگیر نام دارد، برای اینکه بتوانند کمی آب به دست بیاورند مجبور به کندن زمین بودند و ما نوعی همزیستی با طبیعت را در این سبک زندگی شاهد هستیم و به این پرسش فکر می‌کنیم که چگونه منابع طبیعی این شهر را که مردمانش سال‌های سال اینگونه با آن زندگی کرده‌اند از بین می‌بریم. امروز نزدیک ۷۰ درصد قنات‌های ما از بین رفته و اگر بررسی کنیم متوجه می‌شویم شهرهایی که انتقال آب در آن‌ها صورت گرفته چه پیامدهای اجتماعی و زیست محیطی را تجربه کرده‌اند و شهرهای مبدأ و مقصد با بحران مواجه شده‌اند. ممکن است زمانی ما انتقال آب از منطقه‌ای به منطقه دیگر داشته باشیم تا کمبود آب در یک منطقه جبران شود اما این کار باعث نشده که کمبود آب آنجا برطرف شود بلکه همین انتقال آب باعث شده که چندین کارخانه در آن منطقه تأسیس شود و این روند باعث نابودی طبیعت آن منطقه شده است. یزد شهری است که بیشترین تابش نور خورشید را در ایران دارد اما ما از منابع خورشیدی و حتی انرژی باد در این منطقه تقریباً هیچ استفاده‌ای در صنایع نکردیم و عجیب است که با وجود این منابع انرژی ما به رفتن به آن منطقه از آن بی‌بهره بوده است. اگر کارخانه‌های آسیبی نزنند یا کمترین آسیب را وارد کنند

تمایلی به ارائه بودجه خاصی به آن نشان داده است؟

نخیر تا این لحظه هیچ اقدامی نکرده است. با اینکه ما نامه زده‌ایم و دوست داریم آقای وزیر ببینند و کار را ببینند صرفاً دو نفر از معاونت میراث آمده و کار را دیده‌اند. با اینکه در ردیف بودجه دولت و بودجه‌های اختصاصی به سازمان سینمایی بحث اهمیت معرفی فرهنگ ایران، اقوام و روایت‌های تاریخی آن مورد توجه است ولی متأسفانه بیشتر این برنامه‌ها و بودجه‌های حمایتی فقط روی کاغذ است و در عمل واقعا اتفاق نمی‌افتد حداقل برای ما اتفاق نیفتاده است.

بخش اکران‌های خارجی ایساتیس و اکران‌های داخلی این اثر چگونه پیش می‌رود؟

ما هنوز بخش اکران خارجی را آغاز نکرده‌ایم اما این جزو اهدافمان است که با قدرت به بخش و اکران خارجی اثر بپردازیم. مستند ایساتیس به زبان‌های انگلیسی و روسی دوبله و زیرنویس شده و به زودی زیرنویس عربی‌اش نیز آماده می‌شود. تصمیم داریم که اگر بشود یک بخش خارجی بسیار خوب داشته باشیم اما برای بخش ایرانمان که مصادف شده با جشنواره فجر و کمی هم آمار مخاطب ما را تحت تاثیر قرار داده فعلاً در سینماهای تهران نمایش داریم و از هفته‌های آینده در سینمای شهرستان‌ها نیز اکران اثر آغاز خواهد شد. امیدواریم از آنجایی که فیلم‌های مستند فیلم‌های خاصی هستند و مخاطبین خاصی دارند مردم از این فیلم استقبال کنند و آنرا ببینند.

وضعیت تبلیغات و جذب مخاطب برای ایساتیس چگونه بود؟

ما تبلیغات خاصی نداشته‌ایم و صرفاً در جلسات متعددی که با سازمان فرهنگی هنری داشتیم توانستیم به مدت ۵ روز چند استند در تهران بگیریم و تا این لحظه مذاکرات مان با تلویزیون هم به نتیجه خاصی نرسیده و صرفاً چند روزنامه از ما حمایت کرده‌اند. فکر می‌کنم ما هنوز نتوانسته‌ایم در بخش تبلیغات آنطور که باید موفق عمل کنیم.

در مورد گویندگان فیلم و چهار هنرمندی که در این راستا با آنها همکاری کردید بگویید.

من در آثار قبلی‌ام با گویندگان زیادی همکاری کردم و مستندسازی هستم که از نریشن در آثارم استفاده می‌کنم. در این اثر هم با چهار نفر از بهترین دوبلورهای سینمای ایران خانم‌ها زهره شکوفنده و مریم شیرزاد و آقایان ابوالحسن تهامی و نصرالله مدقالچی کار کردیم که قبلاً با آنها همکاری نکرده بودم. یکی از دشواری‌های کار این بود که وقتی که ما می‌خواستیم روایت‌های چهار عنصر را بگیریم خیلی منطقی بود که می‌توانستیم این چهار عزیز را در کنار هم داشته باشیم و بتوانیم این رفت و برگشت و پاسکاری‌های دیالوگ که این عناصر با هم دارند را در استودیو ضبط کنیم اما به این علت که این قسمت از کار در اوج زمان پاندمی کرونا باید انجام می‌شد و شرایط سختی برای ما حاکم بود عملاً این مسئله امکان پذیر نبود و ما مجبور شدیم بخشی از نریشن‌ها را از راه دور و برخی هم با هماهنگی استودیو

